

تطبیق لغت فرس اسدی توسی و العین خلیل بن احمد فراهیدی

* ماندانا هاشمی

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۱۵

** منصوره شیرازی

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۱۰

*** یاسر هوشیار

چکیده

اصولاً کار فرهنگ‌نویسی یا واژه‌نگاری (Lexicographie) تهیه و ارائه مجموعه‌های واژگانی است که بر طبق اصول زبان‌شناختی یا بهره‌گیری از واژگان شناختی صورت می‌گیرد. مقایسه تطبیقی فرهنگ «لغت فرس»/اسدی توسی در زبان فارسی، و «العین» خلیل بن احمد فراهیدی در زبان عربی به عنوان اولین فرهنگ‌های لغت با توجه به پیشینه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و دینی مشترک نشان از آمیختگی و نزدیکی دو زبان فارسی و عربی و اثرپذیری آن‌ها از یکدیگر دارد.

کلیدواژگان: فرهنگ‌نامه، اسدی توسی، خلیل بن احمد فراهیدی، لغت فرس، العین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه زبان و ادبیات فارسی (استادیار). hesfahani@iriau.ac.ir

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه زبان و ادبیات فارسی. shirazi_1998@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

yaser.hoshiyar@yahoo.com

نویسنده مسئول: یاسر هوشیار

مقدمه

زبان به عنوان مهم‌ترین وسیله برقراری ارتباط بین انسان‌ها دارای ویژگی‌هایی است و این ویژگی‌ها در تمام اجزای زبان، یعنی آواها، ساختارهای دستوری و واژگان منعکس است. یکی از ویژگی‌های زبان، نظم و انتظام آن است. یعنی زبان نظامی است که در درون خود نیز به زیرنظام‌هایی تقسیم می‌شود و واژگان یکی از آن‌هاست که به نوبه خود هم‌چون زیرنظام‌های دیگر درون زبان اولاً یک کل است که از اجزایی تشکیل شده است و خواصی فراتر از مجموع خواص یکایک آن اجزاء دارد. ثانیاً اجزای آن منسجم و هم‌بسته‌اند و از نظر صوری و معنایی جنبه‌های مشترکی دارند. ثالثاً اجزای آن، حدود و ثغور یکدیگر و در نتیجه ارزش یکدیگر را مشخص می‌کنند. رابعاً کل نظام واژگان تحول می‌پذیرد و هر کاهش یا افزایش در تعداد اجزای نظام واژگان روی اجزای دیگر تأثیر می‌گذارد و اصولاً کل زبان تحول می‌پذیرد. یعنی زبان پدیده‌ای است پویا و پویایی و تحول در زبان یکی از ویژگی‌های زبان است.

پویایی و تحول چنان دو خصوصیت مهم زبان در تمام سطوح آن آشکار است، و هر زبانی، حتی محافظه‌کارترین زبان‌ها، در طول عمر خود دستخوش تحول و تغییر می‌شود. به همین دلیل است که تاریخ هر زبان را به دوره‌هایی تقسیم می‌کنند. از آن جمله برای زبان فارسی سه دوره زمانی باستان، میانه و جدید؛ و برای زبان عربی پنج دوره جاهلی، اموی، عباسی، انحطاط و حدیث قایل می‌شوند. کل نظام زبان فارسی و نیز هر یک از نظام‌های فرعی آن یعنی نظام آوایی (واجی)، و نظام صرفی و نحوی و نظام واژگان در این دوره‌ها تغییر کرده است. این تغییر خصوصاً در واژگان بسیار چشمگیر است. زیرا نظام واژگان زبانی، نظامی است باز؛ در مقایسه با نظام آوایی (یا واجی) و نظام صرفی و نحوی که بسته‌اند، رسوخ‌پذیرتر است و با سهولت بیش‌تری تغییر و تحول می‌یابد.

به طور کلی ویژگی نظام‌مندی و ویژگی پویایی زبان کنایه‌ای است از نظم و انتظام کل جهان، و بی‌ثباتی و تحول و تغییر کارخانه دهر و همواره موجب اعجاب، تحسین و مدحت خلق از نظام خلقت و کمال مطلق، که آن به قول سعدی شیرازی:

این نه رویی است که من وصف جمال‌اش دانم

این حدیث از دگری پرس که من حیرانم

سرنوشت واژگان در جوامع واژگانی، شباهت زیاد به سرنوشت انسان‌ها در جوامع بشری دارد. در مجموعه واژگان زبان، به فراخور زمان، واژه‌هایی متولد می‌شوند و ملیت زبان را می‌پذیرند، صورت جدید می‌گیرند، معنی تازه می‌یابند، از گوشه انزوا می‌رهند و رونق می‌گیرند، یا از رونق می‌افتند و از اعتبار ساقط می‌شوند و فرهنگ زبان اصولاً نباید از این تغییر و تحول دور بماند، بلکه می‌باید آئینه تمام‌نمای آن باشد؛ و همان‌گونه که تاریخ‌نویس، سرنوشت و وضعیت جوامع گوناگون بشر را در دوره خاصی از زمان، آن‌گونه که هست می‌نویسد، یا اصولاً باید بنویسد، فرهنگ‌نویس یا واژه‌نگار نیز سرنوشت و وضعیت مجموعه واژگان زبان را، در دوره‌ای از زمان که خود در آن زندگی می‌کند، باید آن‌گونه که هست بنویسد.

هم‌چنین «بررسی، تجزیه و تحلیل یا معرفی آثار گوناگون در زمینه‌های فرهنگ‌نویسی و واژگان‌نگاری و شناخت گردآورندگان و شیوه تنظیم و تدوین و چگونگی استفاده و بهره‌مندی از آن در راستای نیل به شیوه فرهنگ‌نویسی نوین و کارآمد و روشنگری ادبی و به دنبال توسعه روزافزون زبان و ادبیات فارسی خدمتی است سترگ که بایسته است انجام شود» (فکتور، ۱۳۸۶: ۱۳).

در این مقاله بر آن‌ایم تا ضمن آشنایی با اولین آفرینندگان فرهنگ‌های فارسی و عربی مقایسه تطبیقی با شیوه کار آنان و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن آشنا شویم.

پیشینه تحقیق

هر فرهنگ مجموعه‌ای از مقالات کوتاه یا مفصل می‌باشد که هر یک درباره واژه‌ای توضیح می‌دهد. فرهنگ می‌تواند شاخص یک دوران خاص باشد؛ فرهنگ در هر دورانی بیانگر دوران معاصر با همان زبان است نه دوران کهن و گذشته (پرهام، ۱۳۸۶: ۳). در باب فرهنگ لغت «العین» خلیل بن احمد فراهیدی و «لغت فرس» اسدی توسی به صورت مجزا آثاری نوشته شده است اما با وجود این آثار، مقایسه تطبیقی این دو فرهنگ با یکدیگر رویکردی تازه است که در مقاله حاضر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

آشنایی با اسدی توسی و خلیل بن احمد فراهیدی

ابو نصر علی بن احمد اسدی توسی شاعری نامدار و لغت‌دانی با ابتکار و خوش‌نویسی کلک استوار است (توسی، ۱۳۵۶: ۱). وی از حماسه‌سرایان معروف ایرانی است. دولت‌شاه در «تذکره الشعراء» او را استاد فردوسی توسی می‌داند و داستانی درباره اینکه او استاد شاعران خردسال بوده و فردوسی را به سرودن «شاهنامه» تشویق کرده نقل می‌کند (صفا، ۱۳۸۴: ۲۳۰).

تولد او در اواخر قرن چهار یا اوایل قرن پنج رخ داده است و دوره تکامل او در شعر و شاعری، هم‌زمان بود با انقلاب خراسان و غلبه سلجوقیان بر آن دیار و پایان کار حکومت غزنویان؛ و چون اسدی محیط مساعدی برای شاعری نداشت خراسان را ترک کرد و از مشرق به مغرب ایران روی کرد و در آذربایجان اقامت کرد. وی با تألیف «لغت فرس» که به قصد توضیح پاره‌ای از مشکلات لغت دری نوشته شد به رواج این لهجه در میان شاعران آذربایجان کمک کرد. از آثار منظوم او می‌توان از قصائد مفاخران که در آن اسدی مناظره بین دو طرف را تخیل کرده است و دلایل هر یک را بر ترجیح خود نسبت به دیگری آورده نام برد و اثر منظوم دیگر او «گرشاسپ‌نامه» است؛ داستان منظومی که نسخه‌های مختلف آن از ۷ تا ۱۰ هزار بیت دارد.

هم‌چنین او نسخه‌ای از کتاب «الأبنیة عن حقایق الأدویة» را که تألیف ابو منصور موفق بن علی الهروی است در شوال سال ۴۴۷ تحریر کرده است، و «گرشاسپ‌نامه» را در سال ۴۵۸ هنگام اقامت در نخجوان نزد امیر/بودلف حکمران آن ملک به فرمان اشارت او به پاداش انعام و احسانی که از او دیده بود به انجام رسانید. هدایت در «مجمع المضی» رحلت اسدی را در سال ۴۶۵ یعنی سال رحلت قطوان آورده و با توجه به این نکته احتمالاً لغتنامه در فاصله سال‌های ۴۵۸ و ۴۶۵ تألیف شده است.

ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد بن تصمیم فراهیدی از دی که نسبت‌اش به فراهید بن مالک بن فهم من عبدالله بن نصر بن ازدی می‌رسد (زبیدی، بی‌تا، ۱/ ۴۷) در سال ۱۰۰ هجری در عمان زاده شد، در کودکی به بصره رفت و در همین شهر بزرگ شد و نزد ادبای بزرگ آن شهر به آموختن پرداخت. وی سپس به تدریس مشغول شد و کتاب‌های زیادی که همه نشانی فزونی علم اوست به رشته تحریر در آورده است.

تمام دانشمندان و زندگینامه نویسان او را فردی دیندار و پرهیزگار و به رغم تنگی معیشت گشاده دست و نسبت به دنیا بی‌علاقه می‌دانند. گویند وی تا پایان زندگی، هر دو سال یکبار به حج می‌رفت (زبیدی، بی تا، ۵۵۸/۱).

در تاریخ ذکر نشده که او از فعالیت‌های علمی خود چیزی جهت گذراندن زندگی دریافت کرده باشد. انگیزه وی قرب به حق تعالی و پاداش اخروی بوده است. او به خرد و دانش خود تکیه داشت و از هوشی سرشار بهره‌مند بود و علاوه بر نحو و لغت، از ریاضیات هم بهره فراوان برده بود. چنانکه نشانه‌آشنایی او با دانش ریاضی در تألیف «العین» و روش آوایی آن دیده می‌شود. او هم‌چنان در علوم دینی، موسیقی و عروض تبحر کافی داشت.

خلیل بن احمد تألیفات بسیاری در معارف و علوم گوناگون داشته است. ولی بیش‌تر آن‌ها بر اثر یورش‌های مغولان به عراق و یا با گذشت روزگار از بین رفته و جز اندکی باقی نمانده که عبارت‌اند از:

در لغت‌شناسی: العین، معانی الحروف، النقط و التشکیل.

در لغو: کتاب المجل، الشواهد

در عروض: کتاب العروض، الفرش و المثل

در موسیقی: کتاب الايقاع و النغم، الموسیقی

خلیل در ۷۵ سالگی در بصره از جهان رخت بر بست (سیوطی، بی تا، ج ۱: ۸۳). درباره علت وفات‌اش گویند روزی او به مسجد رفت و در بین راه با کسی برخورد کرد و به زمین افتاد، و بر اثر ضربه‌ای که به سرش وارد شد مصدوم شد و درگذشت.

نخستین لغتنامه‌ها

کتاب «لغت فرس» قدیم‌ترین کتابی است که در زمینه لغتنامه فارسی تألیف شده است. /سدی این کتاب را با استفاده از شواهد شعری شاعران فارسی‌زبان تهیه دیده بود، اما احتمالاً این لغتنامه مختصر و با شواهد معدود و شامل عده کمی از لغات فارسی مصطلح شاعران دری‌زبان بلخ و ماوراءالنهر و خراسان بوده است. بر اساس نظر مرحوم

اقبال آشتیانی این کتاب اولین لغتنامه مدون به متکی به شواهد شعری است که از دستبرد حوادث مصون مانده است (توسی، ۱۳۵۶: ۴).

اما احتمالاً کسانی پس از /سدی در این لغتنامه دست برده و اشعاری را به آن اضافه کرده‌اند، و بعید به نظر می‌رسد که /سدی برای لغاتی که معنی کرده از شعر خود شاهد آورده باشد (دهخدا، ۱۳۲۵: ۱۷۹/۱). با وجود اینکه در هر دوره‌ای برای تکمیل این لغتنامه مطالبی به آن افزوده شده است اما کتابی بسیار جالب و سودمند است که اساس و مبنای کار لغتنامه نویسان پس از /سدی قرار گرفته است، و بر آن بنیان بناهای محکمی استوار شده که یا به صورت تألیف مستقل و جامع است با مؤلف مشخص، و یا همان «لغت فرس» است که با تغییرات در تعداد لغات و شواهد و تغییر عبارات تعاریف است.

نمونه گروه اول فرهنگ‌هایی چون «جهانگیری» و «مجمع الفرس» سروری و «صحاح الفرس» محمد بن هندوشاه و «فرهنگ» میرزا /براهیم و «برهان جامع» است؛ و نماینده گروه دوم نسخه‌های کهن مختلف «لغت فرس» و یا لغتنامه‌هایی چون «معیار جمالی» است که شیوه کار آن مبتنی بر «لغت فرس» است.

خلیل بن احمد نیز با بکارگیری روشی تازه آغازگر تدوین لغتنامه در زبان عربی به شمار می‌آید. هرچه گفته شده مبنای کار او لغتنامه «الجیم» /ابو عمرو شیبانی است اما *استاد /براهیم آبیاری*، شارح کتاب «الجیم» در مقدمه آن این آغازگری را رد کرده و می‌گوید: «سه لغت‌شناس به نام‌های *نضر بن شمیل*، *ابو عمرو شیبانی* و *شمر بن حمدویه* لغتنامه خود را «الجیم» نامیده‌اند، و *ابو عمرو* از *نضر* تقلید نموده، و *شمیل* کار *ابو عمرو* را دنبال کرده و همه می‌دانند که *نضر* شاگرد *خلیل* بوده. گذشته از این *ابو عمرو* کتاب «الجیم» را در آخرین روزهای حیات خود نوشته است» (شیبانی، بی تا: ۱ / ۳۹-۴۰).

بنابراین کتاب «العین» اولین لغتنامه عربی است که - مورد تقلید لغتنامه نویسی چون *ابن درید* (۳۲۱-۳۲۳ق) در «جمهرة اللغة» و *ابو علی قالی* در لغتنامه «البارع» و ... قرار گرفته است.

هدف تألیف اولین فرهنگ‌نامه‌ها

فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی کنونی تقریباً معاصر با فرهنگ‌نویسی برای زبان تازی به دست ایرانیان است (دهخدا، ۱۳۲۵: ۱۷۸/۱). از دوره ساسانی همه مردم ایران به زبان پهلوی سخن می‌گفتند، و آن‌ها که در شوق ری بوده‌اند به زبان دری سخن می‌گفتند. در دوره طاهریان به تدریج ادبیاتی به زبان دری پدید آمد و در زمان صفاریان و سپس سامانیان این زبان، ادبیات وسیعی یافت که در قلمرو زبان پهلوی منتشر شد (رزم‌آرا، ۱۳۸۶: ۱۴).

در زمانی که فارسی دری منتشر شد مردم قلمرو زبان پهلوی خود را به کتاب‌هایی نیازمند دیدند که زبان دری را به آنان بیاموزد، و این مقدمه فرهنگ‌نویسی در زبان فارسی یکی از انگیزه‌های مهم / اسدی توسی برای تدوین «لغت فرس» است. در «العین» مهم‌ترین هدف و انگیزه فر/هیدی گردآوری واژگان اصیل و شناخت واژگان بیگانه است. او این واژگان را برای نخستین بار بر اساس نظامی ویژه دسته‌بندی کرد. در این نظام وی با توجه به تعداد حروف، واژگان را به طور دقیق در دسته‌های دو تا پنج حرفی تقسیم نمود و از این رهگذر کوشش کرد که واژه‌ای را از قلم نیندازد؛ به گونه‌ای که آنان که در پی خرده‌گیری بر این کتاب برآمدند پس از مطالعه آن را کامل یافتند. خلیل بن / احمد در این باره می‌گوید: «این پایان زبان عربی است» (سیوطی، بی تا: ۶۴/۱). یعنی روش کتاب به گونه‌ای است که می‌تواند تمام واژگان زبان عربی را گرد آورد.

مهم‌ترین ویژگی‌های اولین لغت‌نامه‌های فارسی و عربی

فرهنگ / اسدی یا «لغت فرس» از دو جهت اهمیت دارد:

- الف- قدیمی‌ترین فرهنگ فارسی است که تا کنون برای ما باقی مانده است.
- ب- کهن‌ترین و غنی‌ترین گلچین آثار شاعران قدیم فارسی‌زبان است که دیوان تعدادی از آنان پایمال حوادث شده است، به احتمال قریب به یقین / اسدی توسی کتاب «لغت ابو حفص» را در دست داشته و از کتاب‌های دیگر در این زمینه نیز بهره برده است.

ویژگی‌های «العین» فر/هیدی نیز تنها در اینکه اولین کتاب در نوع خود است و سرمشقی برای لغت‌نامه‌ها است خلاصه نمی‌شود. آن ویژگی‌ها به گونه‌ای است که موجب رشک و حسد برخی لغت‌نامه نویسان به فر/هیدی شده است. مهم‌ترین ویژگی‌های «العین» عبارت‌اند از:

الف- روش تنظیم واژگان بر اساس آوای حروف

ب- گردآوری اشکال گوناگون هر واژه

ج- دسته‌بندی واژگان بر اساس شمار حروف آن‌ها

د- ذکر راهنمایی‌های لازم جهت تشخیص واژگان عربی از غیر عربی

روش کار نخستین لغت‌نامه نویسان فارسی و عربی

روش /سدی در ترتیب واژه‌ها بر اساس حرف آخر واژه است و حروف باصدا و بی‌صدا هر دو را در نظر دارد، اما در این زمینه از قاعده و نظم خاصی پیروی نکرده است به گونه‌ای که "های" غیر ملفوظ را نادیده گرفته است. مثلاً «الفغده یا ورده» را در باب الدال آورده است. هم‌چنین بعضی از واژه‌ها در چند باب تکرار شده‌اند مثل واژه‌های «آبخوست» که در باب التاء و باب السین آمده است با دو شاهد متفاوت، یا واژه «چُست» که با دو معنی و دو شاهد شعری متفاوت در باب التاء و السین آمده است.

گاهی یک واژه در یک باب تکرار شده است، مثل «چنگ لوک» در باب الکاف که با دو معنی نزدیک به هم "کسی که دست شل و انگشتان برآمده دارد" و "کسی که دست و پای کج دارد"، با دو شاهد شعری از لیبیبی و عنصری آمده است.

«علاقه و توجه /سدی به علم زبان بیش‌تر بوده و در آغاز، فرهنگ خود را چنین توصیف می‌کند: «کتاب لغت فرس، لسان اهل بلخ و ماوراء النهر و خراسان و غیرهم» و از روی علاقه نقل می‌کند که پاره‌ای لغات در نواحی مختلف قلمرو زبان پارسی چگونه تلفظ می‌شوند» (توسی، ۱۳۵۶: ۳۶).

/سدی برای هر کلمه یک یا چند شاهد شعری از شاعران مختلف آورده است که خود او گردآوری کرده است.

پس از حرف «ش» وی از ذکر واژه‌هایی که به حروف «ص، ض، ط، ظ، ع» ختم می‌شود خوداری کرده و گفته است: «در دیوان شعرا طلب کردیم و در این حروف هیچ لغتی نبود تا مطلعان حمل بر کاهلی مصنف نکنند» (همان: ۳۳).

بر اساس تحقیقات پاول هرن، اسدی مجموعاً از ۶۷ شاعر نام برده است و از آنان مثال شعری آورده است. پاره‌ای از بیت‌ها نیز بدون ذکر نام شاعر آمده است. هم‌چنین از ناصر خسرو قبادیانی شاهد مثالی دیده نمی‌شود که احتمالاً به دلیل عدم شناخت او از وی بوده است.

بنابراین روش اسدی را می‌توان به ترتیب زیر دسته‌بندی نمود:

الف- تقسیم لغتنامه بر اساس باب به این صورت که هر باب به یکی از حروف الفبا اختصاص دارد.

ب- در این فرهنگ برای واژه‌ها حرکت‌گذاری نشده است.

ج- واژه‌ها عموماً ساده‌اند و از واژه‌های مرکب مطابق فرهنگ‌های امروز استفاده نشده است.

د- گاه همراه با بعضی از واژه‌ها، واژه‌های مترادف آورده شده است؛ مثلاً در باب الزاء همراه واژه "هرمز" واژه‌های "اورمزد، زاوش و برجیس" آمده با معنی نام "ستاره مشتری" یا در باب السین "پست" همراه "پخچ" آمده به معنای "کوتاه و پهن‌شده" (همان: ۶۳).

ه- در کنار واژه و مفهوم آن یک شاهد شعری آورده شده که شعرها متعلق به شاعران مختلف‌اند و نام آنان نیز ذکر شده است. مانند واژه "کاریز" که در معنای آن آمده است: آبی باشد که در زمین به جایی برون برند و به تازی قنات خوانند. کسایی گفت:

سزد که دوزخ کاریز آب دیده کنی / که ریز ریز بخواهدت ریختن کاریز

همان‌طور که ملاحظه می‌شود به منبع و مرجع بیت‌ها اشاره نشده است.

ترتیب کتاب بر اساس حروف الفبا و حرف آخر است که چند حرف به دلیل نبودن واژه حذف شده است. این حروف عبارت‌اند از: حرف «پ» که ذکری از آن به میان نیامده است. حرف چ همراه «ج» آمده است و حرف «گ» همراه حرف «ک» و حروف

«ث، ح، ص، ض، ظ، ط، ع» که /سندی در ذیل این حروف یادآوری کرده که در دیوان شعرا در طلب واژه‌هایی که به این حروف ختم می‌شوند بوده ولی واژه‌ای نیافته است و حرف «ق».

و- تعداد واژه‌ها نیز به ترتیب زیر است:

باب الالف ۴۰ واژه، باب الباء ۳۶ واژه، باب التاء ۴۲ واژه، باب الجیم ۷۶ واژه، باب الخاء ۱۷ واژه، باب الدال ۷۰ واژه، باب الذال ۲۵ واژه، باب الراء ۱۰ واژه، باب الزاد ۳۵ واژه، باب الراء ۱۹ واژه، باب السین ۶۱ واژه، باب الشین ۷۵ واژه، باب الغین ۳۰ واژه، باب الفاء ۲۴ واژه، باب الکاف ۱۵۸ واژه، باب اللام ۱۰۶ واژه، باب المیم ۶۴ واژه، باب النون ۱۷۸ واژه، باب الواو ۴۵ واژه، باب الهاء ۱۷ واژه و باب الیاء ۳۶ واژه که بیش‌ترین واژه و شاهد مثال مربوط به حرف «نون» با ۱۷۸ واژه و کم‌ترین واژه و شاهد مثال مربوط به حرف «ر» با ۱۰ واژه و شاهد مثال است.

ز- بعضی واژه‌ها که معانی مختلف دارند با لفظ دیگر مشخص شده است، مثلاً واژه "پایاب" در باب الباء به معنی "طاققت" و "پایاب" دیگر به معنی "حوض" آمده است.

ح- به نظر می‌رسد مبنای کار /سندی در گردآوری لغات مثال‌های شعری است.

خلیل بن احمد /راهیدی نیز برای گردآوری کامل واژگان زبان عربی و دسته‌بندی آن‌ها از دو روش استفاده کرده است:

الف: روش تکیه بر آوای حروف

خلیل که در آغاز می‌خواست لغتنامه‌ای بر اساس حروف الفبا بنویسد حرف همزه را به دلیل آنکه گاهی به الف و گاه به واو و گاه به یاء تبدیل می‌شود، و گاهی در ابتدای کلمات تلفظ نمی‌شود رها کرد و با انصراف از ترتیب الفبایی به گردآوری واژگان بر اساس آوای حروف روی آورد.

او لغتنامه خود را از حرف «عین» آغاز کرده است. به این ترتیب که حروف الفبا را بر اساس ترتیب تصاعدی محل ادای آن‌ها دسته‌بندی نموده است. به این صورت که از پایین‌ترین محل ادا شروع و به نزدیک‌ترین آن به لب پایان پذیرد به همین جهت زبان‌شناسان، دسته‌بندی را که به شکل زیر است، روش الفبایی-آوایی نامیده‌اند:

ع، ح، ه، خ، غ/ق، ک/ج، ش، ض/ص، س، ز/ط، د، ت/ظ، ذ، ت/ر، ل، ن، ف، ب،

۴.

در این میان همزه و حروف عله محل ادای معین ندارند(خلیل بن احمد، بی تا، ج ۱:

(۴۵)

ب: روش ریاضی

خلیل در گردآوری دقیق واژگان عربی، به شماره حروف واژه و دسته‌بندی آن‌ها در زبان عربی توجه داشته است. بدین صورت که بعد از حروف این زبان ۲۸ آوا نوشته است و واژگان را نیز بر اساس تعداد حروفشان می‌توان به ۴ دسته دو حرفی، سه حرفی، چهار حرفی، و پنج حرفی تقسیم نمود. در این میان اگر حروف واژگان دو حرفی را بشود جابه‌جا کرد دو بار و به دو شکل مطرح می‌شود؛ مثل حروف واژه «من» که پس از جابه‌جایی به صورت «نم» در می‌آید. روش خلیل در گردآوری واژگان روش و نظامی کاملاً جدید است به گونه‌ای که پس از او لغتنامه نویسان، اصول این نظام را در تألیفات خود مورد استفاده قرار دادند(همان: ۲۵/۱). روش خلیل بن احمد فراهیدی نیز به صورت زیر دسته‌بندی می‌شود:

الف. تقسیم لغتنامه به بخش‌هایی به نام "کتاب". هر یک از حروف الفبا در یک کتاب گردآوری شده که دارای ۲۸ کتاب است.

ب. تقسیم لغتنامه به باب: خلیل بر اساس شماره حروف واژگان، هر کتاب را به چند باب تقسیم کرد مثلاً در باب عین و نون، کلمات (ع ن / ن ع) را آورده است(همان: ۲۵۲/۱).

ج. توجه به حروف اصلی و ریشه واژگان: خلیل قبل از جادادن واژگان در کتاب مورد نظر آن‌ها را به ریشه اصلی خود بازگردانده است.

د. در نظر داشتن شماره حروف واژگان: دسته‌بندی واژگان در هر بخش(کتاب) بر اساس شماره حروف آن واژه صورت می‌گیرد به ترتیب زیر:

۱. واژگان دو حرفی

۲. واژگان سه حرفی صحیح

۳. واژگان سه حرفی معتل

۴. واژگان لفیف که دو حرف از حروف اصلی آن‌ها عله باشد.
۵. واژگان ۴ و ۵ حرفی که اول، نوع صحیح و سپس نوع معتل آن آورده شده.
هـ. مستعمل یا مهمل بودن واژگان: خلیلی در گردآوری هر واژه به مستعمل یا مهمل بودن واژه توجه نکرده، و همه واژگان موجود جمع‌آوری کرده و در جلوی هر واژه برای آگاهی خوانندگان به مستعمل یا مهمل بودن آن اشاره کرده است.
و. استشهاده: وی در شرح ریشه واژگان، از آیات قرآن، احادیث نبوی، شعر و نثر اعراب اصیل به عنوان شاهد و مثال بهره برده است و در پاره‌ای از موارد نام سراینده آن را آورده است (فاخر، بی تا: ۱۷).

روش استفاده از العین

پس از آشنایی با روش تنظیم واژگان به سادگی می‌توانیم با رعایت نکات زیر هر واژه را بیابیم:

الف. بازگرداندن واژه به اصل خود از راه‌های زیر:

- ۱- حذف حروف زاید
- ۲- بازگرداندن حروف عله به اصل خود
- ۳- بازگرداندن حروف محذوف
- ۴- تبدیل واژگان جمع به مفرد
- ۵- بازگرداندن واژه مؤنث به صورت مذکر
- ۶- بازگرداندن اسم مصغر به شکل عادی آن

ب- آشنایی با محل ادای حروف

ج - شناخت تعداد حروف اصلی واژه

نمونه کار در العین

واژه "عَس"

عَس: عسعست السحابه: شب هنگام ابر به زمین نزدیک شد و از آن برق جهید.

در این باره شاعر سروده است:

فَعَسَسَ حَتَّى لَوْ نَشَاءُ إِذَا دَنَا
كَانَ لَهُ تَارَةً تَتَقَبَّسُ

به جای کان، لکان نیز نقل شده است.

العس (عسّ - یعّس فهُو عاسّ) پاسبان

العس: مطلب العس: پیاله بزرگ، عساس و عسّسه جمع آن است.

عسّس: نام مکانی است.

العسّس: از نام‌های گرگ است، به هر درنده‌ای که شب به دنبال شکار رود نیز

عسّس گویند.

العسوس: شتری که به پاهایش زنند تا شیر دهد یا شتری که قبل از شیردادن باید

ساعتی راه برود.

سَع: السّسعّه: لرزش بدن سالخورده

عسّسع الانسان: او سالخورده و پیر شد.

نتیجه بحث

از بررسی دو لغتنامه «لغت فرس»/اسدی به عنوان اولین واژه‌نامه فارسی و «العین» خلیل بن احمد فراهیدی به نکات قابل تأملی می‌رسیم که به آن اشاره می‌شود. زمان تألیف «لغت فرس» قرن ۵ هجری است هرچند بر اساس اشارات گوناگونی که در «لغتنامه دهخدا» و «فرهنگ معین» شده است قبل از «لغت فرس» نیز فرهنگ‌ها و لغتنامه‌هایی وجود داشته است (معین، ۱۳۶۲: ۱۷).

بر اساس اشاره علی/صغر حکمت ایرانیان از قرن دوم به بعد در رشته‌های مختلف علمی نهضت عظیمی را به وجود آوردند، و در تدوین لغت و ادب پیشقدم بودند و آثار ادبی آنان مستقیماً به زبان عربی راه یافت (حکمت، ۱۳۲۶: ۸۵).

اولین لغتنامه عربی یعنی «العین» در قرن دوم تألیف شده است که در تألیف این واژه‌نامه علاوه بر انگیزه‌های خاص نمی‌توان از تأثیر ایرانیان و افکار آنان چشم‌پوشی کرد. هرچند در مقایسه این دو فرهنگ اولین و ممتازترین نکته‌ای که به چشم می‌خورد خلاصه و مختصر بودن «لغت فرس» و تفصیل و نوآوری و ابداع در «العین» است. اما هر دو فرهنگ با اختصاصات ویژه خود مورد تقلید فرهنگ نویسان بعد قرار گرفته است.

روش/اسدی توسی بر اساس الفبای فارسی و حرف پایانی واژه و بکارگیری شواهد شعری است، و آنگونه که ذکر شد خلیل بن/حمد بر اساس روش آوایی به تقسیم بندی واژگان پرداخته و بنابراین واژه‌نامه او با حرف «عین» آغاز می‌شود.

در «لغت فرس» به نحوه حرکت گذاری واژه‌ها اشاره نشده، درباره ریشه واژه و اسم، فعل یا حرف بودن نیز مطلبی نمی‌بینیم. واژه‌های مهمل و مستعمل مشخص نشده‌اند، واژه‌ها عموماً مفردند، معانی واژه‌ها به اختصار اشاره شده است. در «العین» علاوه بر اشاره به ریشه واژگان و مشتقات آن در شرح واژگان با ذکر کلمه و «مهملات» و «مستعملات» به کاربردی یا غیر کاربردی بودن آن اشاره شده است. هم‌چنین به انواع جمع واژه نیز اشاره شده است. علاوه بر معنی اصلی واژه به معانی جانبی اشاره می‌کند. استشهدات خلیل به آیات قرآن، احادیث نبوی و گفتار فصیح اعراب فراوان است و هرچند او جز موارد اندک گویندگان و سرایندگان اشعار و جمله‌های نیکو را معرفی نکرده است.

این در حالی است که مبنای «لغت فرس» اشارات شعری شاعران است، و او برای کل واژه‌ها نمونه شعری آورده است و اگر برای واژگانی شاعری نیافته به واژگان اشاره نکرده است.

هم‌چنین مقدار واژه‌ها در «العین» بیش‌تر از واژه‌هایی است که در «لغت فرس» آمده است. اما زمانی که هر دو واژه‌نامه با لغتنامه‌های جدید مقایسه می‌شوند به نکات مهمی می‌رسیم. یکی از مشکلات در هر دو واژه‌نامه دشواری دستیابی به واژگان است. در «لغت فرس» واژه‌ها بر اساس حرف آخر تقسیم بندی شده‌اند اما معیار دیگری برای دستیابی سریع‌تر به واژه‌ها وجود ندارد. بنابراین یافتن واژگان نیازمند صرف وقت زیاد است. درباره «العین» نیز چنین مشکلی وجود دارد و علاوه بر آن آگاهی بر آوای حروف و واجگاه آن‌ها لازم است.

کتابنامه

کتب فارسی

- اسدی توسی، ابو نصر علی بن احمد. ۱۳۵۶، لغت فرس، تهران: انتشارات طهوری.
حکمت، علی اصغر. ۱۳۲۶، ایران در فرهنگ جهان، تهران: فرهنگستان.
دهخدا، علی اکبر. ۱۳۲۵، لغتنامه، تهران: بی نا.
صفا، ذبیح الله. ۱۳۸۴، تاریخ ادبیات ایران، تهران: ققنوس.
معین، محمد. ۱۳۶۲، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.

کتب عربی

- زبیدی. ۱۹۸۴م، طبقات النحویین البصریین، قاهره: دار الاعتصام.
سیرافی. ۱۹۸۵م، اخبار النحویین البصریین، قاهره: دار الاعتصام.
سیوطی، جلال الدین. ۱۹۸۴م، بغیة الوعاة فی اخبار اللغویین والنحاة، قاهره: مطبعة الحلبي.
شیبانی، ابو عمرو. ۱۹۷۵م، کتاب الجیم، قاهره: مطبعة الحلبي.
فاخر، امین. ۱۰۴۴ق، دراسات فی المعاجم العربية، قاهره: بی نا.
الفراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۰۹ق، العین، تحقیق د. ابراهیم، بغداد: دار الحرية.

مقالات

- پرهام، عبدالرحمن. «تبیین برخی کاستی‌های سنت قاموس نگاری فارسی»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی جیرفت، دوره ۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۳.
رزم آرا، مرتضی. «مقایسه فارسی تاجیکی و فارسی ایران»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی جیرفت، دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶.
فکتور، الکک. «اللغة العربية فی ایران ماضیها، حاضرها ومستقبلها»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی جیرفت، دوره ۲، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۷.